



خاطره جالب کمال تبریزی از «مارمولک»

۵ آبان ماه سالروز تولد کمال تبریزی بود. به همین مناسبت موزه ملی سینما در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود بخش‌هایی از گفت‌وگوی این هنرمند را منتشر کرد. این فیلمساز درباره تلاش پرویز پرستویی برای باورپذیر شدن نقش خود در «مارمولک» گفته است: «پرستویی برای اینکه خود را هر چه بیشتر در فضای نقش قرار دهد، اوقاتی را به مداحی و خواندن روضه اختصاص می‌داد تا ارائه خود را تا حد امکان قابل باور جلوه دهد. در واقع هیچ‌گونه نمایشی در «مارمولک» دیده نمی‌شود و هر آنچه وجود دارد، محصول واقع‌گرایی موجود در پشت دوربین است.»



واکنش رضا میرکریمی به تجاوز رژیم صهیونیستی

در پی اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی به ایران، رضا میرکریمی، کارگردان سینما واکنش نشان داد. این فیلمساز شناخته شده کشورمان که ساخت آثار تحسین‌شده‌ای همچون «به همین سادگی»، «خیلی دور خیلی نزدیک»، «بیه حبه قند»، «قصر شیرین»، «نگهبان شب» و... را در کارنامه کاری خود دارد با انتشار تصویری در شبکه ایکس، به این اقدام تجاوزکارانه واکنش نشان داد. میرکریمی تصویری از نقشه ایران با رنگ سبز در پس زمینه سیاه و سفید نقشه جهان منتشر کرده و به زبان فارسی و انگلیسی نوشته است: «اما از آغاز تاریخ اینجا بوده‌ایم، شما کی آمدید؟»



استقبال بهروز افخمی از جنجال سازی

بهروز افخمی که این روزها فیلم «استاد» در مقام تهیه‌کننده را در حال اکران دارد، همزمان اجرای برنامه تلویزیونی «هفت» را هم بر عهده دارد. او درباره ایجاد حواشی و جنجال در این برنامه سینمایی گفته است: «بعد از آن چند هفته برنامه تعطیل شد، چون من اصلاً علاقه‌ای نداشتم برنامه را ادامه دهم. احساس می‌کردم از من انتظار دارند که همیشه جنجال کنم و من اصلاً اهل این کار نیستم، البته برای فیلم‌های خودم جنجال دوست دارم. به هر حال وقتی می‌خواهید فیلمی بسازید باید برایش جنجال درست کنید، حتی لحن منتقدان و خبرنگاران را درآورید.» **مه‌ر**



فرهنگ
وزیر فرهنگ: فرصتی برای بازروایت‌های جدید جهت ارائه به نسل جوان است

نشست مشترک شورای سیاستگذاری و ستاد ملی کنگره بانوی مبارز و انقلابی خواهر دبیباغ (مرضیه حدیدچی) شنبه (۵ آبان) با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این نشست شرح وظایف دستگاه‌های مختلف برای برگزاری هرچه بهتر کنگره این بانوی انقلابی مطرح شد و نهادهای مختلف پیشنهادها و پیشنهادات خود برای تبیین بیشتر وجوه شخصیتی خواهر دبیباغ را بیان کردند. علاوه بر آن از پوستر کنگره ملی بانوی مبارز و انقلابی (خواهر دبیباغ) نیز رونمایی شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه برگزاری این نشست در جمع خبرنگاران گفت: «در دوران معاصر شخصیت‌هایی داریم که به تاریخ حیاتشان محدود نیستند و ویژگی‌هایی دارند که برای آیندگان نیز می‌توانند محل ارجاع باشند؛ یکی از این شخصیت‌ها مرحومه حدیدچی است که در طول زندگی پرثمر خود چه بعد و چه قبل از انقلاب ویژگی‌های متعددی داشتند.»

سیدعباس صالحی افزود: «از جمله ویژگی‌های مرحومه حدیدچی می‌توان به نقش‌آفرینی برجسته در ساخت‌هایی همچون فرماندهی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حضور در هیأتی که پیام امام راحل را به گورباچف منتقل کردند، نمایندگی مجلس، جنبه خانوادگی و دیگر شئون زندگی اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی، مذهبی و خانوادگی اشاره کرد. مرحومه حدیدچی شخصیتی است که برای زنان و دختران امروز می‌تواند الگو باشد و با مراجعه به اقداماتی که انجام داده درمی‌یابیم، هم می‌توان متدین بود و هم جامعه‌گرا.»

او درباره ویژگی برگزاری کنگره‌هایی از این دست نیز تصریح کرد: «این کنگره‌ها فرصتی را فراهم می‌کند تا انباشتی از اطلاعات گذشته داشته باشیم و همچنین می‌تواند در فرآوری‌ها، بازروایت‌ها و قالب‌های جدید برای ارائه به نسل جوان و نوجوان مؤثر باشد.»

سخن‌سرایی انسان‌مدار و ایران‌دوست
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در پیامی به آیین چهلمین روز درگذشت محمدعلی بهمنی که با طبعی روان، قریحه‌ای لطیف و بیانی شیوا پیش از پنج دهه در آسمان پرستاره شعر و ادب فارسی خوش درخشید و سخن‌سرایی انسان‌مدار و ایران‌دوست بود، همواره با حق‌گویی بی‌بدیل، دغدغه‌دلسوزی ایران و منافع ملی را با زبان شعر به رشته تحریر در آورد. «در بخش دیگر این پیام که شامگاه جمعه (چهارم آبان) در تقدیر از دست‌اندرکاران برگزاری چهلمین روز درگذشت محمدعلی بهمنی در فرهنگسرای طوبای بند رعباس قرائت شد، آمده است: «جاوید نامی هنر این هنرمندان محسوب کرد. پارچه دوخت یادآور خلوت‌های زنانه در میراث فرهنگی است که در آثار نرجس رفیعی جو به مثابه «هنر معاصر» عرضه می‌شود و حاصل آن نمایشگاهی است که همچنان همچنان‌انگیزاست و مخاطب را به تأمل در اوضاع شخصی هنرمند و وضعیت اجتماعی معاصر وامی‌دارد.»

رایحه‌تجربیه‌های شیرین تبدیل کرده است. یک ستاره جذاب، در نقش مرجان، دختری دلریبا، یک بدمن خبیث که نقشش را مهدی حسینی نیا بازی می‌کند و موجوی جوان دوست داشتنی، که عنصر پیونددهنده شخصیت‌ها و ماجراهاست. «جزیره لولو» ادای دین ستاره به پدرش است. از این منظر، تلاش او برای به ثمررساندن آخرین کار آتیلدا، باارزش و شایسته احترام است. واکنش‌ها و تعداد مخاطبان هم نشان می‌دهد نمایش با استقبال روبه‌رو شده است، آن هم در فضایی که تئاتر سرگرم‌کننده و غیرمبتذل کمتر روی صحنه می‌رود. «جزیره لولو» نقص‌ها و کمبودهایی دارد، اما امتیازهای آن بیش از نواقص است. شاید مهم‌ترین ویژگی نمایش، روح بازیگوشانه و فضای فانتری حاکم بر آن باشد؛ دو عنصری که آتیلدا پسانی در نمایش‌هایش روی آنها تمرکز می‌کند.

او این روزها نمایش «جزیره لولو» را روی صحنه دارد. نمایشی که بیش از هر چیز، خاطره آتیلدا پسانی را در ذهن زنده می‌کند. «جزیره لولو» اگرچه شباهت‌هایی به نمایش‌های قبلی آتیلدا دارد، اما بیشتر یک روایت شیرین و فانتری است. یک «بازی» که با چاشنی رؤیا و افسانه گره خورده و بدون پیچیدگی‌های همیشگی کارهای آتیلدا، تماشاگرش را سرگرم می‌کند. نمایش، داستانگوست، موجو (خسرو پسانی) شخصیت نمایش، جوانی است که به سفری دریایی می‌رود تا گنج پیدا کند. فرجام این سفر و حتی مسیری که موجو طی می‌کند، قابل پیش‌بینی است اما آنچه «جزیره لولو» را تماشایی می‌کند، اجرای حرفه‌ای و قابل قبول آن است. بازی‌های استنادارد، ضرب‌آهنگ درست و دکور و موسیقی، به نمایش سروسشکی متعال داد و تماشای آن

که بسیاری از آنها، اصلاً برای تلویزیون یا سینما نوشته نمی‌شوند. او روی صحنه، جلوه‌گری و درخشش خاصی دارد. با اینکه هنوز جوان است و مسیری طولانی پیش رو دارد، اما باید او را از بازیگران شاخص تئاتر امروز دانست. بازیگری که مخاطبان تئاتر، او را در «صددرصد»، «دیابولیک: رومو و ژولیت»، «قصر موروثی خاندان فرانکشتاین» و «مکاشفه در باب یک میهمانی خاموش» فراموش نمی‌کنند.

از نقش‌های پیچیده، خاص و جذاب را جان بخشیده‌اند. شاید یکی از دلایلی که ستاره در سینما، به اندازه تئاتر موفق نبود، به خاطر نوع نقش‌هایی است که در سینما وجود دارد. تئاتر، همواره محل نوآوری و خلاقیت بوده است. قصه‌ها، نوع روایت، میزآسنس و حتی بازیگری در تئاتر، محل تجربه و خطر کردن است و ستاره در همه سال‌های فعالیتش انبوهی از این نقش‌های خاص را بازی کرده است. نقش‌هایی



علیرضا تجویدی

درد دلم را روی پارچه می‌دوزم

روی کلامتان تأمل کنید. به قول مادرم دهان هفت بند و از نظر من هفت دروازه دارد و کلام شما باید از هفت دروازه یا هفت بند بگذرد تا بیرون بیاید و جایی بنشیند. شاید در دروازه هفتم تصمیم گرفتید دروازه را با غل و زنجیر ببندید و سکوت کنید؛ سکوتی نه از سر عجز، سکوتی خودخواسته. کلام ما جادوی ماست. رفیعی جو درباره انتخاب رنگ‌های پارچه‌ها و ارتباط کارهایش با مخاطب می‌گوید: رنگ‌ها بر اساس حال روحی‌ام در زمان تکمیل پروژه انتخاب می‌شود و هر کار از دل کار دیگری درمی‌آید. در نمایشگاه بدن ۱۹ اثر به نمایش درآمده و اندازه‌های کارها از یک متر و ده‌ونیم تا یک‌متری در یک‌نود است. هر کدام از کارها حدود ۴ تا ۴ ماه طول کشیده. رفیعی جو از سال ۹۶ تا ۱۴۰۱ به خلق این آثار پرداخته است. نمایشگاه «بدن» ۸ آبان‌ماه به کار خود پایان می‌دهد.

وی ادامه می‌دهد: به دلیل آشنایی با طب چینی و علوم کل‌نگر، به این فکر می‌کردم که اتفاقات و حرف‌های خوب و بد روی جسم چه اثر شگرفی دارد و کلام جادو می‌کند. این هنرمند معتقد است: نوشتن به مراتب سخت‌تر از حرف زدن است، حال تصور کنید حرف‌هایتان را بخواهید با نخ و سوزن روی پارچه بدوزید، آن وقت چه اتفاقی می‌افتد. ممکن است در عرض یکی، دو ساعت ۱۰ صفحه صحبت کنید اما در این یکی، دو ساعت فقط می‌توانید چند خطش را بدوزید و این موضوع شما را می‌برد به زمانی که کلام را پرتاب می‌کنید بدون اینکه بدانید چه می‌گویید، حال همان کلام را بدوزید، ۱۰ صفحه ممکن است چند ماه یا چند سال زمان ببرد؛ البته اگر خسته و دلزده نشوید، بدنتان آسیب نبیند و بدون توقف بتوانید بدوزید که چنین اتفاقی بسیار نادر است.

روی بدن بگذارد روایتی با هنر زنانه داشته است. رفیعی جو درباره اینکه چرا سراغ پارچه و دوخت رفته است، می‌گوید: به این دلیل از این رسانه استفاده کردم چون دوختن، هنر زنانه است؛ دوخت، پارچه و نخ و سوزن یک رسانه‌ست مثل قلم، قلم‌مو، رایانه و... شاید استفاده از مادیای دوخت به دلیل تجربی بود که در این حوزه داشتم؛ مادرم مرا در نوجوانی در حوزه دوخت حرفه‌ای کرد. وی در پاسخ به این سؤال که چرا اسم نمایشگاه را بدن گذاشتید، می‌گوید: بدن وقتی کلامی، رفتاری و حرکتی با آن اصابت می‌کند، فراموش نمی‌کند. بدن در خود ذخیره کرده و در جایی که ذهنت منوجه آن نیست از آن به نفع خودش و در حمایت از بدنش استفاده می‌کند. ما هر روز مقابل این کلمات، رفتارها و حرکات قرار می‌گیریم و به نوعی می‌شود گفت محدودکننده‌های ذهن.

گزارش

سعیده احسانی راد
خبرنگار



روح زنانه در میراث فرهنگی

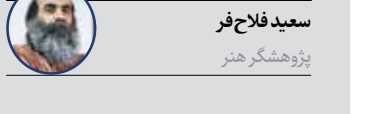
مردان آینده می‌آموزند. متن این لایالی‌ها در فرهنگ‌های مختلف تطابق زیادی به چگونگی زیست آن جامعه دارد. در واقع این زن‌ها هستند که از طریق تربیت و حفظ و انتقال میراث فرهنگی برای چگونگی و آینده اقوام تصمیم می‌گیرند. زن‌ها پشت‌دار قالی با حوصله گره در گره می‌بافند، روی پرده‌های خانه نقش و نگار می‌اندازند و دور کرسی قصه‌های امیرارسلان نامدار و هزار و یک شب را می‌خوانند. ظاهراً از همه‌های و هوی‌های اجتماعی دوری می‌کنند و در کنج خانه می‌نشینند، اما با یک نسل مردان در گهواره به زنان و

رویکردی که از دوره مدرنیسم، به تدریج از مفاهیم روز «هنر» فاصله می‌گیرد و تقسیم «هنر مردانه» و «هنر زنانه» را پررنگ‌تر می‌کند. با ظهور و گسترش مفهومی به عنوان «هنر معاصر» این اختلاف به سطوح بالایی اجتماعی می‌رسد و نزاع تازه‌ای را در چیستی و چرایی و چگونگی «هنر مردانه» و «هنر زنانه» شکل می‌دهد. عده‌ای از هنرمندان زن در دفاع از این هویت جمعی به بیان و بازنمایی همان اختلافات موضوعی پرداخته‌اند جنسیتی اولیه از سوزه اکتفا می‌کنند و عده‌ای هم با اتکا به همان قدرت تاریخی

برای تنهایی‌هایی که دارند تا از این آتش، شور به عالم هستی بپندازند. این زنانگی را باید اوج قدرتمندی فرض کرد. این زنانگی، خودش «هنر» خودش را دارد یا به عبارت درست‌تر، خودش هنر را از منظر خودش تعریف می‌کند. شعر خودش را دارد. موسیقی خودش را دارد. نقاشی و قالی و نمایش خودش را دارد. روح ظریف و بی‌معاذی که از همین کیفیت «بی‌ادعایی» به بلندترین مراتب تأثیرگذاری می‌رسد. در نگاه تاریخی، این روح زنانه را باید منشأ «هنرهای سنتی» و خصوصاً «صایع دستی» تلقی کرد.

واسطه، در همه وقایع فرهنگی، اجتماعی و... تأثیر می‌گذارند. این تأثیرهمانقدر که ناملموس است، به همان اندازه هم ماندگار و عمیق است و به گواه تاریخ بزرگترین قدرت زنان در همین جایگاه به ظاهر مظلومانه‌ای است که بزرگترین حکومت‌های فرهنگی را اداره می‌کند؛ گوشه‌گیری رازآلودی که کلید همه فتوحات فرهنگی است. زن‌ها لایالی می‌خوانند و در پس خواب نازنین کودکان، بیداری‌های نسل آینده را تضمین می‌کنند. گاهی در سکوت، سوزن به پارچه می‌زنند و حتی گریه می‌کنند

گالری‌گردی



سعید فلاح‌فر
پژوهشگر هنر

«لایالی»‌ها را باید شناخته شده‌ترین محمل فرهنگی زنان محسوب کرد. تربیت مادرانه‌ای دانست که در متن و لحن لایالی‌ها نهفته است. شور، عشق، شجاعت و... را مادران در گهواره به زنان و